

گردآورنده: نسرين تک زارع

عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی

تهران

# اهوازی

## طیب فاضل ایرانی

● اهوازی از جمله اطباء بزرگ اسلامی ایران است که خدمتی شایسته به طب اسلامی و نتیجتاً به طب دنیا نموده است.

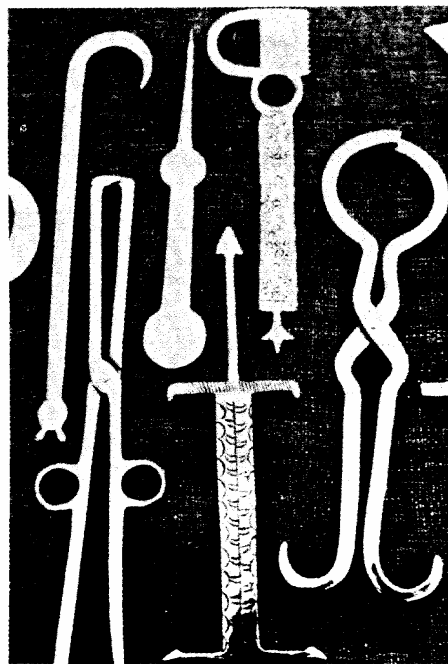
ناباوری‌ها، تکاپو و تلاشهای انسان، فکر و اندیشه نو را در پهنه زیست بارور می‌سازد. لذا بر هر فرد ایرانی لازم است که نام اساتید و بزرگان ایرانی علم طب را بشناسد و از زندگانی و تألیفات آنان آگاه گردد، سپس با معرفی این شخصیت‌ها و ذکر آثارشان نسبت به آنان ادای دین نموده، زحماتشان را پاس دارد. اهوازی از جمله اطباء بزرگ اسلامی ایران است که خدمتی شایسته به طب اسلامی و نتیجتاً به طب دنیا نموده است. نامش علی، پدرش عباس، و کنیه‌اش ابوالحسن و عموماً در کتب تاریخی بنام علی بن عباس مجوسی اهوازی ذکر شده است. اروپائیان او را

تاریخ چون آئینه روشنگر وقایع و اتفاقاتی است که در طی حیات ملت‌ها روی داده و می‌تواند معیار ارزشمندی باشد، برای سنجش منزلتی که هر قوم و طایفه‌ای باید در جهان امروز داشته باشد. تاریخ هر ملتی روشن‌کننده ارزشهای خاص اجتماعی، هنری و علمی آنست و به این بیان تاریخ بازگوکننده نقشی است که هر ملتی در پیشرفت تمدن داشته است. صفحات تاریخ، راز بقای ملت‌هاست و این صفحات گاهی به استواری کوهها اوج گرفته و زمانی به ژرفی دریاها عمق پذیرفته است. با مطالعه تاریخ علم می‌توان فهمید که چگونه حتی در ظلمت تردیدها و

نتیجه مطالعات سالیان دراز و متمادی و تبجر فوق‌العاده‌اش را در طب در کتاب ملکی «کامل الصناعة الطبية الملکی» به رشته تحریر درآورده است. ملکی که اروپائیان از آن به عنوان Liber, Almaleki, Regiur, Liber totius medicine یاد کرده‌اند، یکی از ارکان مهم علم طب قدیم بشمار می‌رفته است. این کتاب در قرون متمادی مورد استفاده طالبین علم طب بوده است. عموم مورخین و تذکره نویسان خاور، باور داشتند که این کتاب، از کتب طبی درجه اول می‌باشد و مطالعه آنرا برای پزشکان لازم می‌دانستند. مورخین مغرب زمین که تحقیق کاملی در آثار اهوازی نموده‌اند وی را طبیی متبحر و پزشکی بزرگ دانسته‌اند. لوئیس لکلرک L. Leclerc نویسنده معروف تاریخ طب معتقد است که: «مؤلف کتاب ملکی با جرأت توانسته است آنچه را که یونانیها نتوانسته‌اند کشف کنند، بدست آورد و دنباله کار آنان را تعقیب نماید و در کتاب خود معلومات طبی فراوانی را جمع‌آوری کند».

چارلز گرین Ch. Greene در کتاب تاریخ طب خود چنین می‌نویسد: «... کتاب ملکی با قانون ابن سینا یک مقصود را بیان می‌نمایند و هر دو تا اوائل قرن هیجدهم میلادی در مدارس طبی اروپا تدریس می‌شده‌اند». ا. گاستیگیونی A. Gastigioni در کتاب تاریخ طب خود چنین نوشته است: «... علی بن عباس در کتاب ملکی خلاصه کامل طب دوران خود را نگاشته و کتاب وی اولین قدم تجدد طبی است. وی توانسته است خلاصه‌ای از عقاید و افکار طبی دورانش را با وضوح کامل و تجویزهای دارویی بیان دارد».

\* نظر مختصری به کتاب ملکی:  
تألیف بزرگ اهوازی یعنی کتاب «ملکی» مشتمل بر دو قسمت است: قسمت اول در طب نظری و قسمت دوم در طب عملی و هرکدام از این قسمت‌ها شامل ده مقاله بوده، به ترتیب محتوای هر قسمت به شرح زیر



ابزار جراحی که مورد استفاده پزشکان اسلامی قرار می‌گرفت.

علی عباس Ali-ibne Abbas-al-majusi, Haly Abbas می‌خوانند. از تاریخ تولد وی اطلاع دقیقی در دست نیست. بهر حال آنچه که مسلم است آنکه وی در نیمه اول قرن چهارم هجری قمری بدینا آمده است. محل تولدش ظاهراً اهواز یا بهبهان (ارجان) بوده و بدین مناسبت به اهوازی ارجلی نیز معروف می‌باشد. اهوازی طب را نزد ابوماهر (موسی بن سیار شیرازی) پزشک مشهور ایرانی آموخته و شخصاً به مطالعه و تحقیق پرداخته است، او مخصوصاً آثار قدما و اطباء دیگر را بدقت بررسی نموده و تجارب ارزشمندی را کسب کرده است. برای شناسایی مقام اهوازی در طب و داروسازی دو نکته بسیار اساسی و مهم بنظر می‌رسد: اول تشریح کتاب ملکی، دوم موضوعات معتبر و مأخوذه از کتاب تألیفی وی و مقایسه آن با طب امروزی. این پزشک عالیقدر ایرانی

است: مقدمه کتاب و تقسیمات آن، کلیات تشریح اعضاء بدن (ترجمه بخش تشریح کتاب ملکی به لاتین نقشی فوق العاده مهم و اساسی در پیشرفت این علم در اروپا و رسیدن آن به پایه امروزی داشته است)، کلیات فیزیولوژی بدن، مروری بر وظائف الاعضاء، عوامل مؤثر در سلامت انسان مثل ورزش و بهداشت، علل و انواع بیماریها، عوارض بیماریها، انواع و اقسام تب و بیماریهای پوستی، علائم الامراض (سمیولوژی) و بالاخره کلیاتی راجع به دوره بیماریها و عواقب آنها ذکر نموده است.

اهوازی در قسمت دوم کتاب خود به جنبه عملی

---

### ● طبیب باید راز بیماران را محفوظ داشته و از افشاء آن نزد خودی و بیگانه، نزدیکان و بیگانگان دوری جوید.

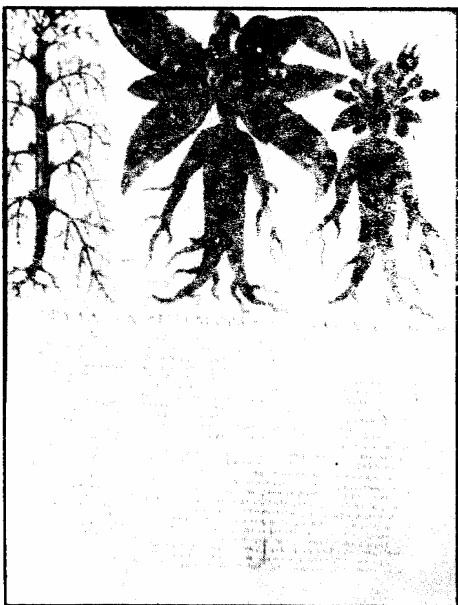
---

طبابت پرداخته که اهم آنها عبارتند از: مقاله اول که شامل پنجاه و هفت قسمت است و شامل درمان و طرق معالجه، اثر داروها از نظر سرعت عمل در بدن آدمی، شناسایی خواص داروها (داروهای مدر، مولدمنی و شیر...) تقسیم بندی داروها از نظر خواص و اثر آنها بر روی قسمتهای مختلف بدن (کلیه، طحال...) بیان خواص گیاهها، دانه ها، برگ، گل و ریشه آنها، داروهای معدنی و حیوانی، داروهای مسهلی و استفراغ آور و امثال آنها می باشد. چنانکه از متن این مقاله مشخص است. این مقاله یک کتاب کامل اصول تداوی است و از مطالعه آن که یکی از قسمتهای بسیار سودمند کتاب ملکی است. وسعت فکر و اطلاعات وسیع اهوازی مشاهده می شود.

اهوازی در سایر مقالات خود به درمان انواع و اقسام تبها، مسمومیتها، بیماریهای اعصاب چشم و بینی و

دهان و دندان پرداخته و از بیماریهای تنفسی، جهاز هاضمه، کلیه و دستگاههای تناسلی نیز سخن به میان آورده است.

مقاله نوزدهم بخش دوم شامل مرور یک دوره کامل جراحی تا دوران اهوازی می باشد، و همان کتابی است که اروپائیان بدان بسیار اهمیت می دهند و در آن مطالبی نگاشته شده است که کمال دقت و مطالعه استاد بزرگ را می رساند، و بسیاری از مطالب آن با یافته های امروزی جراحی سازگار است. می گویند اهوازی کتبی در زمینه جراحی، چشم پزشکی و برخی دیگر از رشته های پزشکی داشته است. ولی اثری از آنها باقی نمانده است. و بالاخره مقاله بیستم که در سی قسمت به رشته تحریر درآمده، شامل یک دوره کامل داروسازی بوده و در آن از عناوین زیر سخن رفته است: تهیه داروهای مرکب، قوانین، دستور و وزن ادویه، داروهای مفرده، مرکب، طرز ساختن حبوب و معجونات و تریاقها، شیافها، قتیله ها، قرصها، ضمادها، بخورها، سورمه ها، شربت ها، مطبوخها و مسهلها و امثال



آنها، اثر و مدت داروها در بدن و... مقاله بیستم که آخرین مقاله و آخرین فصل از کتاب دوم ملکی است، یک دوره داروسازی و داروشناسی مخصوصاً نسخه‌پیچی می‌باشد، چرا که پزشکان قدیم علاوه بر آنکه به طبابت مشغول بودند خودشان نیز داروخانه‌ای در مطب و یا در جوار مطب داشتند و علاوه بر آنکه به کار درمان می‌پرداختند، گاهی شخصاً کار نسخه‌پیچی و داروسازی را نیز انجام می‌دادند. اهوازی برای اولین بار دربارهٔ بیماریهای دستگاه تناسلی زنان مطالبی نوشت و سپس رفته رفته، دیگر اطباء مرد به معالجهٔ بیماریهای زنان پرداختند.

---

● **همچنانکه در حق پدر و مادر خود احترام و نیکی می‌کنید و آنان را در دارائی خود شریک می‌دانید، باید در حق استادان نیز چنان کنید.**

---

#### پندنامهٔ پزشکی اهوازی:

پزشک عالیشان ایرانی، اهوازی در مقالهٔ اول، اندرزها و وصایایی از سخنان «بقراط» و اطباء دیگر و علمای قدیم ذکر نموده که قسمتهایی از این پندنامه را بطور خلاصه ذکر می‌کنیم:

«نخستین موعظ آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزوجل را بجای آرند و پس از آن استادان خود را بزرگ دارند و در خدمت و سپاسگزاری و گرامی داشتن آنان همت گمارند.»

«همچنانکه در حق پدر و مادر خود احترام و نیکی می‌کنید و آنان را در دارائی خود شریک می‌دانید باید در حق استادان نیز چنان کنید.»

«پزشک باید در درمان بیماران و حسن تدبیر و معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد و منظورش

از درمان استفاده و پول پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب اخروی را مد نظر قرار دهد، هیچگاه داروی خطرناک به بیمار ندهد و وصف آنرا نیز به بیمار ننماید و مریض را به چنین دارویی نه دلالت کند و نه از آن سخنی راند، از تجویز داروهای سقط‌کننده چنین پرهیز نماید و آنها را به احدی معرفی نکند.»

«پزشک باید پاک و باکیش و خداپرست و خوش زبان و نیکوروش باشد و از هر ناپاکی و پلیدی و گناه دوری جوید.»

«طیب باید راز بیماران را محفوظ دارد، از افشاء سر آنها به خودی و بیگانه، نزدیکان و دوران دوری جوید چرا که بسیاری از بیماران بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند ولی آنها به طیب می‌گویند. پس طیب باید از خود بیمار در کتمان بیماری بیشتر دقت نماید». بنابراین اگر کسی بخواهد طبیبی حاذق و فاضل باشد باید بدین دستورها رفتار کند و این پندها را آویزه گوش ساخته به صفات اخلاقی که ذکر شد خوی گیرد و در عمل کردن بدانها سستی نرزد و آنها را کوچک نشمارد. اگر بدین رویه رفتار نماید، درمانش در بیماران مؤثر خواهد گشت و مردم بدو اعتماد نموده و بدو خواهند گروید و او نیز بدوستی و ذکر خیر آنان نائل خواهد شد «خداوند متعال از همه داناتر است».

مآخذ:

- ۱) نجم‌آبادی، مسعود؛ تاریخ طب ایران بعد از اسلام؛ جلد دوم؛ چاپ اول؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ تهران ۱۳۵۲.
- ۲) نجم‌آبادی، محمود (مترجم)؛ آئین پزشکی؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ تهران ۱۳۳۴.
- ۳) فرقانی، باهر (مترجم)؛ تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی؛ مؤسسه انتشارات امیرکبیر؛ تهران ۱۳۵۶.
- ۴) جاویدان، محسن (مترجم)؛ تاریخ پزشکی ایران از دورهٔ باستان تا سال ۱۹۳۴؛ اقبال؛ تهران ۱۳۵۲.